

پیشگیری از جرائم یقه سفید با رویکرد آموزه‌های دینی
بهاره السادات نقیب^۱ - محمد امینی^۲ - منصور درخشنده^۳
تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۰/۲۵ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۲/۱۸

چکیده:

جرائم یقه سفیدی جرائمی هستند که شخص قابل احترام و برخوردار از یک موقعیت عالی اجتماعی به اعتبار حوزه نفوذ و تصرف خود مرتکب آنها می‌شود. از حیث پی‌آمدهای اقتصادی و سیاسی، بسیار مخرب‌تر از جرائم سنتی هستند، به همین دلیل توجه به پیشگیری از این جرائم بسیار مهم‌تر از سایر جرائم است. بهره‌گیری از آموزه‌های دینی در راه پیشگیری از جرائم یقه سفیدها مخصوصاً در جوامع دینی می‌تواند در گستره انواع پیشگیری از جرم بسیار ارزنده باشد. مطالعه و تحقیق در آموزه‌های دینی، بیانگر آن است که تمام انواع پیشگیری از جرم (موجود در نظام‌های حقوقی کنونی)، مورد توجه آموزه‌های دین اسلام بوده است. آموزه‌های دینی و مخصوصاً اندیشه‌های امام علی (ع) به پیشگیری اجتماعی به عنوان یکی از پیشگیری‌های غیر کیفیت‌محور بسیار اهتمام داشته است. سیاست‌های پیشگیرانه اسلام از جرائم یقه سفید می‌تواند الگوی جامع و تمام‌عیاری برای نظام‌های حقوقی کنونی در زمینه پیشگیری از جرائم یقه سفید باشد.

واژگان کلیدی: جرائم یقه سفید، آموزه‌های دینی، پیشگیری، پیشگیری از جرم

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

^۱ - دانشجوی کارشناسی ارشد، حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد تاکستان، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران

bahar_naghieb@yahoo.com

^۲ - استادیار و عضو هیئت علمی، گروه حقوق، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد تاکستان، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران: (نویسنده مسئول)

mohammad.amini58@gmail.com

^۳ - استادیار و عضو هیئت علمی، گروه حقوق، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد تاکستان، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران

مقدمه:

به نظر می‌رسد یکی از علل ناکارآمدی‌های پیشگیری از جرائم یقه سفید در نظام حقوقی ایران، عدم بهره‌گیری کافی از تمام تجارب و اندیشه‌های پیشینیان است. از جمله این تجارب و اندیشه‌ها که می‌تواند راهی برای رهایی از وضعیت موجود باشد، سیره ائمه و آموزه‌های دینی است. ائمه و خطمشی ایشان در تشکیل و نحوه اداره حکومت اسلامی، همواره بهترین الگو برای سیاستمداران و رهبران جوامع اسلامی بوده است. مطالعه سیاست‌ها و روش مبارزه ائمه با این ناهنجاری‌ها از آن جهت حایز اهمیت است که می‌تواند ملاک عمل موثری برای سیاست جنایی کشورهایی باشد که داعیه حکومت اسلامی دارند.

از آنجایی که نظام جمهوری اسلامی ایران نیز در بیشتر موارد، نظام حکومتی اسلامی را الگوی رفتارها، سیاست‌ها و برنامه‌های خود قرار داده است بی‌تردید برای حرکت بهتر در زمینه پیشگیری از جرم مخصوصاً جرائم یقه سفید، بررسی و تحلیل اندیشه ایشان در این زمینه بسیار کارگشا خواهد بود. از این رو، به نظر می‌رسد با رجوع به آموزه‌های دینی بتوان این آموزه‌ها را در زمینه پیشگیری از جرم، استخراج نمود و برای پیشگیری از جرائم یقه سفید در نظام جمهوری اسلامی ایران به کار بست.

این پژوهش که مبتنی بر آموزه‌های دینی می‌باشد در صدد آن است که با توجه و تاکید بر سیاست جنایی اسلام که از قرآن و سیره پیامبر اسلام (ص) و ائمه (ع) قابل استنتاج است پیشگیری از جرم را بویژه در مورد مجرمان یقه سفید تحلیل و بررسی نماید.

پیشگیری از جرائم یقه سفید در قرآن

قرآن کریم با طراحی یک سیاست فراگیر، با همه انواع جرائم به مبارزه برخاسته است؛ با پیش‌گیری اصلاحی، تعلیم و تربیت فردی و اجتماعی براساس آموزه‌های وحیانی و تقویت جنبه‌های معنوی و رفع فقر و ایجاد تعهدات مذهبی و حل مشکلات اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی، در صدد تأثیرگذاری در مرحله تصمیم‌گیری افراد است تا آنان با اتخاذ تصمیم‌های غلط و ناروا وارد دنیای جرم و جنایت و خلاف‌کاری نشوند. در صورتی که شیوه‌های مرحله اول مؤثر واقع نشود و فرد تصمیم قاطع به ارتکاب جرم بگیرد، قرآن با راهنمایی به استفاده از پیش‌گیری، وصفی از طریق کاهش فرصت‌ها و دستاوردها و موقعیت‌های ارتکاب جرم و سلب ابزار و آلات آن و افزایش میزان خطر دستگیری و حفاظت از آماج جرم، وقوع جرم را ممتنع

و خنثی می‌نماید یا حداقل کاهش می‌دهد. مطابق این شیوه، باید وضعیتی ایجاد شود که تحقق عمل مجرمانه دشوار و پرخطر یا ناممکن گردد. (میرخلیلی، ۱۳۸۰: ۸۱) همچنین با دستور به مجازات مجرمان و ایجاد رعب در بین همه آنانی که مستعد ارتکاب جرم هستند، ما را به پیش‌گیری کیفری رهنمون کرده است.

قرآن کریم برای پیش‌گیری از جرم، برخلاف مکتب تحقیقی و پوزیتیویستی^۱، تنها به اصلاح مجرم و رفع زمینه‌های فردی و اجتماعی گرایش‌های مجرمانه، بسنده نکرده است و نیز همانند مکاتب سزادهی تنها پیش‌گیری کیفری و مجازات مجرم را توصیه نکرده است، بلکه سیاست پیش‌گیری فراگیر و واقع بینانه‌ای را در این زمینه ارائه داده است. و این همان دیدگاه و نتیجه‌ای است که امروز جرم‌شناسان و حقوق‌دانان پس از سال‌ها بحث و جدل بدان دست یافته‌اند و رسماً اعلام کرده‌اند که برای مبارزه با جرایم باید از همه روش‌های پیش‌گیری در کنار هم استفاده کرد و همه آنها مکمل یکدیگرند. (صفاری، ۱۳۸۰: ۳۲۱)

منع از کسب اموال از طریق نامشروع

در میان ادیان آسمانی، دین مبین اسلام با جامعیت بی نظیر خود، مبانی نظری استواری را در سطوح و عرصه‌های گوناگون به ویژه عرصه اقتصادی (که جولانگاه غالب مجرمین یقه سفید می‌باشد) مطرح ساخته است. خداوند سبحان در سوره‌های متعددی از قرآن کریم، از جمله آیه ۲۹ سوره مبارکه نساء بر حرمت اکل مال از راه باطل تأکید فرموده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا» ای ایمان آورندگان! اموال یکدیگر را به ناحق (باطل) نخورید، مگر آنکه بر تجارتی از روی رضایت و رغبت استوار باشد. منظور از این آیه، استفاده از اموال برخلاف موازین شرعی است. (راغب اصفهانی، ۱۴۰۳: ۲۰)

برخی معتقدند عموم باطل، شامل همه اسباب باطل و نامشروع می‌شود و این معنا از اطلاق عبارت «لَا تَأْكُلُوا» هم استنباط می‌شود. (کاظمی، ۱۳۶۷: ۳۲) در آیه شریفه ۱۸۸ از سوره مبارکه بقره نیز آمده است: «وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ وَ تَدُلُّوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ لِيَأْكُلُوا فَرِيقًا مِّنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْأَيْمَانِ وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ». مال یکدیگر را به ناحق نخورید و کار را به محاکمه قاضیان نیفکنید تا به وسیله رشوه و زور، بخشی از اموال مردم را بخورید؛

¹ - Positivesty

با اینکه شما بطلان دعوی خود را می‌دانید. در این آیه نیز «أکل به معنای مطلق تصرفات و باطل نیز به معنای مطلق آنچه مقابل حق باشد آمده است و از کلمه «بینکم» استفاده می‌شود که همه اموال به عموم مردم تعلق دارد و خداوند متعال از راه قوانین عادلانه‌ای که وضع فرموده است، این اموال را میان انسانها به گونه‌ای تقسیم کرده است که ریش‌های فساد، قطع و تعادل اقتصادی در اجتماع برقرار شود.

فیض کاشانی در تفسیر آیه ۱۸۸ سوره بقره، هم تصرفات و تملکات از طریق باطل را در زمره امور غیر محلل و غیر مشروع قرار می‌دهد. همچنین پس از ذکر روایاتی درباره مصادیق باطل می‌نویسد: «آیه، همه را در می‌گیرد و میان اخبار تنافی وجود ندارد» (تفسیرالصافی، ۲۲۶). صاحب تفسیر المیزان در توضیح آیه شریفه ۱۸۸ سوره بقره آورده که این آیه عمومیت دارد و تمام تصرفات باطل و ناروا را در بر می‌گیرد و ذکر قمار و امثال آنها (ربا، رشوه،...) در بسیاری از روایات از باب انحصار نیست بلکه در حقیقت از باب بیان مصداق است. بنابراین آیه بیا نگر آن است که هر تصرف، یا دارا شدنی که مطابق با شرع نبوده و از طریق اسباب غیرقانونی حاصل شود، باطل و غیرحق است. (المیزان فی تفسیر القرآن: ۵۲)

با توجه به مباحث لغوی و تفاسیری که در مورد اکل مال به باطل گفته شد در می‌یابیم که اولاً منظور از اکل، مطلق تصرفات و تملکات است. ثانیاً منظور از مال هر چیزی اعم از پول، منافع و اسناد مالی را شامل می‌شود. ثالثاً منظور از باطل، مطلق تصرفات و تملکات حرام و غیر قانونی است مثل سرقت، ربا، قمار، نیرنگ، رشوه، تصرفات عدوانی، سوگند دروغ و غیره می‌باشد. از نظر اسلام هرگونه تصرف در اموال و دارایی‌ها باید بر اساس حق و عدالت و بر مبنای صحیح صورت گیرد، و هرچه که غیر از این باشد، حرام و باطل است. بر این اساس، تحصیل درآمد از راه‌های غیرمشروع و با استفاده از ابزار و وسایل غیر مجاز، حرام است و «باطل» به عمومیت و اطلاقش، همه را شامل می‌شود، حتی مطابق آنچه برخی گفته‌اند، گستردگی معنای باطل نیز همین معنا را اقتضا می‌کند. نه تنها تحصیل درآمد از راه‌های ناصواب؛ بلکه صرف و خرج کردن آن در مسیرهای حرام و ناپسند نیز باطل است^۱ و از طرفی در جامعه اسلامی، هم دخل و هم خرج، هم تولید و هم توزیع بایستی با معیارهای صحیح و مشروع، انجام پذیرد. (اسماعیلی، ۱۳۷۳: ۱۲۹)

^۱ - منظور جرم پولشویی است که از مصادیق بارز جرائم یقه سفید است.

تحکیم ارزش‌های معنوی و اخلاقی

اسلام در رسیدن به همه اهداف از جمله پیشگیری از جرائم یقه سفید و مخصوصاً مسائل اقتصادی آن از قبیل، زدودن فقر، ایجاد رفاه و اجرای عدالت، از چارچوب ارزش‌های اخلاقی، خارج نمی‌شود. زیرا تحقق این ارزش‌ها همراه با پیاده شدن اقتصاد اسلامی از اهداف مکتب اسلام است. این از اهدافی است که هم افراد باید مراعات کنند و هم دولت باید در تحقق آن بکوشد. کسی حق ندارد از راه‌های حرام کسب در آمد کند یا با اکراه، طرف مقابل را به معامله- ای وادار نماید. قرآن می‌فرماید: "در اسلام پرداخت زکات و خمس عبادتی است که فرد با رضایت کامل به آن اقدام می‌کند. به علاوه، قرآن گرفتن زکات را وسیله پاک شدن و تزکیه پرداخت کننده به شمار می‌آورد. «خذ من اموالهم صدقه تطهرهم و تزکیهم بها...» «از اموال آنان زکات بگیر و بدین وسیله آنان را پاک و تزکیه کن». (توبه/۱۰۳)

همچنین به انفال کنندگان سفارش می‌کند که از بهترین اموال خود انفاق کنید تا به «نیکی» دست یابید. «لن تنالوا البر حتی تنفقوا مما تحبون». هرگز به نیکی نمی‌رسید، مگر آنکه از آنچه که دوست دارید، انفاق کنید». (آل عمران/۹۲)

تحقق پیشگیری از جرم (بویژه جرائم یقه سفید) در آموزه‌های قرآن بر پایه سلسله اصول اعتقادی و زیرساخت‌های معرفتی استوار است که بایسته است بدان توجه گردد. از دیدگاه اسلام، اخلاق و آداب تجارت با وجود تنوع و گستردگی خود، در واقع، نتیجه اصولی است که از نوع جهان‌بینی و نگرش انسان‌شناختی اسلام (همچون اصالت خدا و نیز جان‌شینی و مسئول بودن آدمی) نشئت می‌گیرد. (اعتصامی، ۱۳۸۱، ج ۳: ۲۳۴ - ۲۳۰)

رفاه عمومی

رفاه عمومی هم می‌تواند موجب پیشگیری و هم ثمره پیشگیری از جرائم یقه سفید باشد. رفاه در ضمن توسعه و رشد حاصل می‌شود، یعنی اگر جامعه‌ای توسعه و رشد لازم را فراهم کرده باشد، به دنبال آن رفاه نیز به وجود می‌آید. پس اگر از جرائم یقه سفید پیشگیری نگردد رفاه عمومی از بین می‌رود. و از سویی اگر رفاه عمومی باشد دیگر قشر خاصی به عنوان یقه سفید وجود نخواهند داشت تا دست به جرائم خاص خود بزنند.

از مطالعه آیات و روایات مربوط به بحث بسیار روشن به دست می‌آید که نظام اقتصادی اسلام تنها در صدد رفع نیازهای ضروری بشر نیست و با تامین آنها کار خداوند را تمام شده

نمی‌داند، بلکه در صدد تامین رفاه بشر است. خداوند نعمت‌های بی‌شماری را در اختیار انسان قرار داده که از آنها بهره‌گیرد.

قرآن در آیه ۳۲ سوره اعراف بیان می‌دارد: «قل من حرم زینه الله التي أخرج لعباده و الطيبات من الرزق». بگو چه کسی زینت خداوند را که برای بندگانش (از زمین) بیرون آورده و روزی‌های پاک را حرام کرده است؟». و امیرالمومنین (ع) نیز در وصف متقین می‌فرماید: «همانا متقین بهره‌دنیای نقد و آخرت آینده را بردند، با اهل دنیا در دنیایشان شریک شدند، ولی اهل دنیا در آخرت آنان شریک نشدند. در دنیا به بهترین نوع مسکن گرفتند و به بهترین وجه خوردند. از دنیا به آنگونه که مترفین بهره‌مند می‌شوند، استفاده کردند و از آن چیزی را که جابران متکبر بر می‌داشتند، برگرفته‌اند. سپس از آن با توشه کافی و تجارب سودمند بیرون رفتند».

همچنین در روایتی از معصوم (ع) نقل شده است که فرمود: «نعم المال الصالح للعبد الصالح». «چه نیکوست مال شایسته برای بنده شایسته». (بحار الانوار، ج ۷۰: ۶۲)

نظارت بر افراد

یکی از طرق پیشگیری جرائم یقه سفید کنترل و نظارت بر افراد است. این کتاب آسمانی بر کنترل و نظارت بر افراد از طریق حاکمیت و مردم تاکید فراوان داشته و در این باره می‌فرماید: «و لولا دفع الله الناس بعضهم ببعض لفسدت الارض؛ اگر خداوند بعضی از مردم را با بعضی دیگر باز نمی‌داشت فساد زمین را فرا می‌گرفت». (سوره بقره، ۲۵۱) که در حالت فساد رفاه عمومی نیز از بین می‌رود. بر این اساس در مکتب فقهی گاهی از امر به معروف و نهی از منکر با عنوان دفاع همگانی یا دفاع اجتماعی در مقابل دفاع فردی یا دفاع مشروع یاد می‌شود. (فیض، ۱۳۷۰: ۳۲)

- اصل تساوی انسانها

به طور طبیعی و منطقی حقوق آنجا پدید می‌آید که انسانها برابر با یکدیگر فرض شوند. این برابری در قرآن به وضوح منعکس شده است. قرآن همه انسانها را از یک ریشه دانسته و برابر می‌داند؛ و هو الذی أنشأکم من نفس واحده؛ اوست آن کسی که شما را از یک نفس آفریده است. (سوره انعام، ۹۸)

یکی از اصول اسلام اصل تساوی انسانها است. به موجب این اصل که از کرامت ذاتی هر شخص انسانی نشأت می‌گیرد هیچ انسانی فراتر و یا فروتر از دیگران آفریده نمی‌شود. به همین دلیل

هیچکس نمی‌تواند بدون دلیل بر دیگری حاکمیت داشته باشد. اصل تساوی انسانها، اصول دیگری را به همراه دارد که یکی از آنها اصل عدم سلطه شخصی بر شخص دیگر است. برابری حاکم با مردم در معیشت و عمل جلوه‌ای از برابری افراد در اسلام است. هیچ امتیازی برای حاکم و جود ندارد همچنان که هیچ مصونیتی در برابر قوانین برای وی نیست. در اسلام حکومت موروثی پذیرفته نشده و بر اساس طبقه نیست، بلکه تنها افراد واجد صلاحیت می‌توانند به حکومت و دیگر مشاغل عمومی مانند قضاوت برسند. قرآن کریم درباره برابری همه انسانها می‌فرماید: انا خلقناکم من ذکر و انثی و جعلناکم شعوبا و قبایل لتعارفوا، ان اکرمکم عند الله اتقیکم. (سوره حجرات، ۱۳) در حالی که مجرمین یقه سفید خود را در طبقه‌ای بالاتر از مردم عادی می‌بینند، برابری انسانها در اسلام، شامل همه جنبه‌ها، اعم از برابری در حقوق اساسی از جهت برابری در برابر قانون، برابری در برابر قاضی و برابری در حقوق و تکالیف می‌شود. از امام صادق^(ع) نقل شده است که حضرت علی^(ع) خطاب به خلیفه دوم فرمود سه چیز است که اگر آنها را حفظ کنی و به آنها عمل نمایی، تو را از دیگر امور کفایت می‌کند و اگر آنها را ترک کنی، هیچ کار دیگری برای تو نفعی ندارد. عمر گفت یا ابالحسن آنها کدامند. امام علی^(ع) فرمود: "اقامه حدود بر دور و نزدیک، حکم به کتاب خدا در حال خشنودی و خشم و تقسیم عادلانه میان سیه و سرخ". عمر گفت سوگند که کوتاه و رسا گفتم. (ابن شهر آشوب، ۱۴۱۷: ۱۴۱)

اصل تساوی انسانها تقسیم بندی طبقاتی انسانها را نفی می‌نماید و از ریشه جلوی ایجاد افرادی با عنوان یقه سفید را می‌گیرد و با استراتژی پیشگیری اولیه از ظهور جرائم یقه سفید جلوگیری می‌نماید.

پیشگیری کیفری از جرائم یقه سفید از منظر قرآن

عدالت قضایی

عدالت و به تعبیر قرآنی آن، «عدل»، به لحاظ مفهومی با واژه قسط و مساوات نزدیکی بسیار دارد. خداوند در آیه ۹۰ سوره نحل می‌فرماید: «ان الله یامر بالعدل» حضرت امیرالمومنین^(ع) در تفسیر این آیه، مقصود از عدل راه انصاف می‌داند. راغب اصفهانی نیز در تبیین این آیه می‌گوید: «هو مساواة فی المكافئة» انصاف اقتضای رعایت موازنه و مساوات میان کیفر و مجازات می‌کند و این آن چیزی است که خداوند بدان امر نموده است.

عدالت قضایی بدین معناست: «پس از ارتکاب جرم یا تضییع حق، مجریان عدالت، عدالت را

درباره اصحاب دعوا اعمال کنند. هر عملی که مانع پیاده سازی عدالت در حوزه قضایی باشد، اعم از مرحله تعقیب تا اجرای حکم، جرم علیه عدالت قضایی نامیده می‌شود». (طارمی، ۱۳۸۰: ۱۹)

قرآن کریم نگاه ویژه‌ای به مسئله عدالت قضایی در مقابل جرائم یقه سفیدها دارد و در آیات متعددی به این مسئله اشاره نموده است. در آیه ۲۸ سوره قصص، قارون را به عنوان یکی از مفسدان اقتصادی به مرگ محکوم می‌کند و به زمین فرمان می‌دهد باتلاق گونه، او و خانه‌اش را در کام خود فرو برد.

از آنجا که مجرمین یقه سفید از جمله افراد با نفوذ محسوب می‌گردند و معمولاً در دستگاه - های قضایی نیز اعمال نفوذ می‌نمایند. یکی از راههای پیشگیری از جرائم یقه سفید اجرای عدالت برای همه افراد جامعه فارغ از موقعیت اجتماعی و به دور از اعمال نفوذ است. چرا که اگر این دسته از مجرمین بدانند با عدالت در مقابله با جرائم آنها برخورد خواهد شد با توجه به احساس خطری که نسبت به موقعیت اجتماعی خود دارند کمتر دست به اقدامات مجرمانه خواهند زد. در روایتی از حضرت علی(ع) نقل شده است که فرمودند «کسی که قضاوت می‌کند باید اشاره‌اش، نگاهش و نشستنش نسبت به طرفین برابر باشد» (کلینی، ۱۴۱۱، ج ۷: ۴۱۳)

پیشگیری از جرائم یقه سفید در سیره پیامبر (ص)

مقابله با جرائم افراد بلند پایه

یکی از موارد پیشگیری از جرائم یقه سفیدها در سیره پیامبر (ص) در مجازات افراد با جایگاه اجتماعی بالا دیده می‌شود.

زنی از اشراف قریش به نام فاطمه مخزومی مرتکب سرقت شد. رسول خدا(ص) دستور داد حد الهی را درباره او جاری کنند. قبیله بنی مخزوم ناراحت شدند و کوشیدند به هر وسیله‌ای مانع اجرای حد شوند، حتی اسامه بن زید که از چهره‌های محبوب نزد پیامبر بود، از ایشان تقاضای بخشودگی کرد، اما حضرت از این درخواست، به شدت ناراحت شدند و فرمودند: آیا درباره حدی از حدود خدا شفاعت می‌کنی؟ سپس از جا برخاست و به ایراد خطبه پرداخت که بخشی از آن چنین است: «ای مردم! علت اینکه ملت‌های پیش از شما هلاک شدند این بود که اگر فرد بلند پایه‌ای از آنان جرم می‌کرد او را مجازات نمی‌کردند، اما اگر از مردم ضعیف، ناتوان و گمنام کسی خلاف می‌کرد، حکم خدا را درباره او اجرا می‌کردند. سوگند به خدا اگر (بر فرض

محال) دخترم فاطمه دست به چنین کاری بزند، حکم خدا را درباره او اجرا می‌کنم و در برابر قانون خدا، فاطمه مخزومی با فاطمه محمدی یکسان است.» (نوعی، ۱۳۷۹: ۱۰۰)

منع از علاقه مفرط در ذخیره سازی مظاهر مادی (حرص)

بسیاری از جرائم یقه سفیدها با انگیزه‌های مادی صورت می‌گیرد. یکی دیگر از عوامل درونی «رذایل اخلاقی» که در بروز جرائم به معنای موسع نقش دارد و مورد نکوهش پیامبر اعظم قرار گرفته حرص، پول دوستی، یا علاقه مفرط در جمع آوری و ذخیره سازی مظاهر مادی است. حضرت در این زمینه می‌فرماید: الحریصُ محرومٌ و هو حرمانه مذموم فی آیِّ کان و کیف لایکون محروما و قد فرَّ من وثاقِ الله تعالی و خالف قول تعالی: اَلَّذی خَلَقَکُمْ، ثُمَّ رَزَقَکُمْ، ثُمَّ یُمِیتُکُمْ، ثُمَّ یُحِییَکُمْ. حریص از تمام نعمتها محروم است و این محرومیت در هر کس و از هر چه باشد مذموم و ناپسند است، چگونه محروم نباشد کسی که از پیمان الهی فرار کرده و با قول خدا که می‌فرماید: خدای که شما را آفرید، آنگاه روزی تان داد، سپس از آن شما را می‌میراند، و بالاخره زنده تان می‌کند، مخالفت کرده است. (نوعی، ۱۳۷۹: ۱۰۱) انسانی که این ویژگی بد اخلاقی را پیدا می‌کند دیگر آسایش و آرامش در زندگی او و جامعه وجود ندارد و با همه اینها خدا حافظی می‌کند. او تنها یک چیز می‌شناسد و آن اینکه هر چه دم دستش رسید برمی‌دارد و از هر کجا و هر کس که باشد برایش فرقی نمی‌کند. در این راه حتی کشتن دیگران نیز برای او مهم نیست. جرائم ناشی از این ویژگی اخلاقی را می‌توان به عنوان قتل نفس، سرقت اموال مردم، راهزنی، کلاهبرداری در تعاملات اقتصادی، پولشویی، معاملات ربوی و امثال آنکه همه از مصادیق جرائم یقه سفید می‌باشد قلمداد کرد.

حرمت درآمدهای نامشروع

پیامبر اسلام (ص) بر حرمت درآمدهای نامشروع (که از نتایج جرائم یقه سفیدی است) در خطبه معروف حجه الوداع چنین تأکید می‌فرمایند و به مسئله برتری جویی بین اعراب آن زمان و نیز تحقیر سیاه پوستان اشاره می‌کند و تنها ملاک برتری را تقوا می‌داند؛ ملاکی که در نزد خداوند است و هیچگونه امتیازی را برای صاحبش به همراه ندارد.

پیامبر اکرم (ص) در آخرین سالهای زندگی در مراسم حجه الوداع در منی توقف فرمودند و با تأکید بر حرمت زمانی و مکانی محل، به دنبال اقرار مخاطبان بر عظمت آن فرمودند: همانا خون‌ها و اموالتان بر یکدیگر حرام است؛ مانند حرمت این روز، در این ماه و در این مکان تا

روز قیامت که از اعمالتان پرسیده می‌شود. آنگاه با اعلام این امر و با شهادت گرفتن از همراهان و تأکید بر رد امانت، فرمودند: خون و مال هیچ مسلمانی بدون رضایت او حلال نیست؛ پس به خودتان (با خوردن مال دیگری و با ریختن خون او) ستم نکنید و بعد از من کافر نشوید. (ابن بابویه، ۱۴۰۱: ۳۱۵)

روایات شیخ انصاری از پیامبر در خصوص تدلیس و غش

بسیاری از مصادیق جرائم یقه سفید مانند جعل و کلاهبرداری مبتنی بر فریب هستند. در اسلام هم از جرائمی که مبتنی بر فریب هستند می‌توان غش و تدلیس را نام برد. شیخ انصاری در مکاسب برای اثبات حرمت غش و تدلیس، به روایاتی استناد کرده که در کتب روایی نیز ذکر شده است و از مهمترین آنها حدیث مشهوری است که مطابق آن، پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «لَیْسَ مِنَ الْمُسْلِمِیْنَ مَنْ غَشَّهَمْ» آنکه با مسلمان‌ها غش به کار برد، از آنها نیست. (انصاری، ۱۴۱۱: ۱۳۶) از منظر اسلام، صرف غش و تدلیس، حرام است و از عموم تعلیلی که در روایات آمده است استنباط می‌شود که هر آنکه سبب غش و خدعه شود، علاوه بر ضمان، عملش منهی عنه، حرام و دارای اثر وضعی است و باعث شد روزی نیز خواهد شد. (موسوی اصفهانی، ۱۳۹۷: ۳۶۸)

پیشگیری از جرائم یقه سفید در سیره ائمه

پیشگیری از جرائم یقه سفید از منظر امام علی(ع)

از جمله جرائم شایع مقارن با خلافت امام علی (ع)^(۴) فساد انگیزی‌های برخی از امرا، به هم ریختگی اوضاع اقتصادی کشور و نیز دست‌درازی گسترده به بیت‌المال بود که پایه‌های محبوبیت حکومت دینی را در بین اقشار مختلف جامعه سست کرده بود. در آن زمان، تبعیض و نابرابری جای عدالت نشسته بود و از حقوق مردم در بیت‌المال کسر می‌شد و بر دارایی‌های برخی از صحابه و خاندان خلفا و اطرافیان آنان افزوده می‌شد. (سرکشیکیان، ۱۳۸۸: ۵) جرائم یا مفسد افراد با جایگاه اجتماعی خاص بویژه دست‌درازی صاحب منصبان دولتی به بیت‌المال و یا دریافت رشوه توسط آنان که امروزه به عنوان یکی از مصادیق جرائم یقه سفیدی مطرح است، در آن زمان، بیداد می‌نمود. با توجه به این موضوع، با نگاه به نهج‌البلاغه و سایر آثار منعکس‌کننده سیره امام علی (ع)^(۴) می‌توان ساز کارهای پیشگیرانه ایشان در برخورد با مجرمان یقه سفید را

استخراج نمود. بر این اساس، این ساز کارها به دو گروه پیشگیری‌های غیرکیفری و پیشگیری‌های کیفری قابل تقسیم است که به ترتیب، ابعاد هر یک تبیین خواهد شد.

• پیشگیری‌های غیرکیفری

پیشگیری غیرکیفری؛ به عنوان مجموعه تدابیری که قبل از وقوع جرم انجام می‌گیرد و جنبه غیر سرکوبگرانه دارد می‌تواند اقدامات متعددی را در بر بگیرد. بسیاری از این اقدامات در برخورد با مجرمان یقه سفید در اندیشه‌های امام علی^(ع) قابل مشاهده است که مهمترین آنها در ادامه می‌آید.

- تصفیه حکومت از عناصر فاسد

بدون تردید، شرط اساسی برای هرگونه تحول و اصلاح جامعه و از بین بردن زمینه ارتکاب جرائم یقه سفیدی، به کارگیری کارگزاران شایسته و مدیران لایق و خردمند و استفاده از نیروهای توانا و باتقوا است. برای ایجاد تحول در هر جامعه و هر حکومت، باید کار را از دست ناهلان و فرومایگان خارج کرد و به دست اهلان و پاک‌باختگان سپرد. امام (ع) نیز در سخنان فراوانی بر این اصل تأکید کرده‌اند: «همانا بدترین وزیران و همکاران تو، آنانی هستند که برای اشراق قبل از تو، وزیر بوده‌اند و در آثام و گناهان با آنان همکاری داشته‌اند». (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳) چهار چیز، نشانه انحطاط دولت‌ها است: اصول را ضایع کردن؛ به فروع چسبیدن؛ افراد فرومایه و پست را مقدم داشتن؛ افراد بافضیلت را کنار زدن». (همان، خطبه ۱۶)

حضرت علی^(ع) پس از رسیدن به خلافت در نخستین اقدام، استانداران فاقد صلاحیت خلیفه سوم که فقط بر اساس روابط منصوب شده بودند را عزل نمود. یکی از مهمترین این موارد، عزل معاویه بوده است. مغیره، پیش حضرت علی (ع) آمد و درخواست کرد که کارگزاران دوره عثمانی را در جای خود ابقا کند و حداقل، معاویه را از کار برکنار نکند. بسیاری از اطرافیان حضرت از سر خیراندیشی، خواستند امام عزل معاویه را به تأخیر بیندازد، اما ایشان با اعتقاد به تصفیه حکومت از عناصر فاسد، این پیشنهاد را نپذیرفت و پس از به دست گرفتن حکومت، بلافاصله نامه‌ای به معاویه نوشت و به او فرمان داد: پست فرمانداری شام را به سهل بن حنیف تحویل داده، به مدینه بازگردد و با ایشان بیعت کند. (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰: ۳۹۳)

- دقت در گزینش و انتصاب کارگزاران حکومت

بی‌شک چنانچه اشخاص فاقد صلاحیت وارد دستگاه‌های حکومتی شوند؛ از موقعیت و جایگاه خود سوء استفاده نموده و ممکن است مرتکب جرائم یقه‌سفیدی شوند؛ از این رو،

فقدان وجود ضابطه دقیق در ورود اشخاص به دستگاه‌های حکومتی، زمینه ارتکاب جرم توسط مجرمان یقه سفید بالقوه را فراهم خواهد ساخت؛ چرا که همانطور که امام علی^(ع) فرموده‌اند: «همواره آزمندانی هستند که سیری‌ناپذیرند و در اندوختن مال از هر طریق، برای خود حدی نمی‌شناسند». (شهیدی، ۱۳۷۹، ۴۴۲)

بر این اساس، یکی از ویژگی‌های حضرت، آن بود که افراد ناصالح نتوانند با استفاده از عنصر خویشاوندی یا برتری نژادی، در ایشان نفوذ کرده و از این طریق به مطامع و منافع شخصی خود برسند؛ به عنوان مثال، در تاریخ آمده است که دو تن از نزدیکان حضرت به نام‌های عباس بن عبدالمطلب و ربیعہ بن حارث، فرزندان خود، فضل بن عباس و عبدالله بن ربیعہ، را نزد امام فرستادند تا از آن حضرت بخواهند که آن دو را به سمت کارگزار حکومت در امور صدقات و مالیات بگمارد. حضرت در مقابل خواسته این دو نفر، ردای خویش را افکند و بر روی آن دراز کشید و فرمود: «سوگند به خدا پیوسته در این حال می‌مانم تا شما دو نفر را ناامید به سوی پدرانتان بازگردانم.» همچنین در یک مورد دیگر، ایشان فرمانداری یمن را به طلحه و حکمرانی یمامه و بحرین را به زبیر سپرد. آن دو، هنگام پذیرش این سمت از باب تشکر و قدردانی گفتند: از این صله رحم که انجام دادی - و حق خویشاوندی که به جای آوردی - جزای خیر بینی! امام فرمود: آیا شما این را صله رحم - حق خویشاوندی - می‌دانید؟! زمامداری بر مسلمان را به حق خویشاوندی چه کار؟ آن‌گاه حکم را از آن دو پس گرفت. آن دو برآشفتنند و گفتند: دیگران را بر ما ترجیح دادی! علی^(ع) فرمود: «اگر این حرص و آزمندی در شما پدیدار نمی‌گشت من درباره شما عقیده‌ای دیگر داشتم». (حسینی، ۱۳۸۰، ۴۰)

در میان تمامی نامه‌ها و توصیه‌ها و خطبه‌ها، نامه ۵۳ خطاب به مالک اشتر از این حیث از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این نامه ابعاد مختلفی از اندیشه‌های پیشگیرانه امام را منعکس می‌سازد. آن حضرت در قسمت‌هایی از این نامه در مورد نحوه انتخاب کارگزاران می‌فرماید: «کارگزاران حکومتی‌ات را ابتدا بیازما و سپس بکارگیر» همچنین توصیه می‌کنند: «در مورد نحوه انتخاب آنان با دیگران مشورت کن» و در مورد شرایط کارگزاران دولتی چنین بیان می‌دارند: «کارگزاران دولتی را از میان مردمی با تجربه و با حیا از خاندان‌های پاکیزه و با تقوا که در مسلمانی سابقه درخشانی دارند انتخاب کن؛ زیرا اخلاق آنان گرمی‌تر و آبرویشان محفوظ‌تر و طمعشان کمتر و آینده‌نگری آنان بیشتر است». در جای دیگر در مورد خطر انتخاب کارگزاران زیرک و خیانتکار می‌فرماید: «پس در انتخاب آنان هرگز به فراست، خوش-

بینی و خوش‌گمانی تکیه مکن؛ زیرا افراد زرنگ، راه جلب نظر و خوش‌بینی زمامداران را با ظاهرسازی و خوش‌خدمتی خوب می‌دانند در حالی که ورای این ظاهر جالب هیچ گونه امانتداری و خیرخواهی وجود ندارد». (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳)

همانطور که مشاهده می‌شود امام بر گزاره‌هایی نظیر زیرکی، ظاهرسازی و در کنار آن، خطر حسن ظن نابجا و فرصت‌سازی برای اینگونه افراد تاکید دارد؛ چرا که در واقع، جرائم یقه سفیدی در بیشتر موارد با نوعی فرصت‌طلبی مجرمانه و نیز با درجه هوش و صلاحیت حرفه‌ای و شغلی مرتکبان و میزان اعتماد افراد به آنان ملازم است. همچنان که امام پیش‌بینی می‌کند: این افراد، امانت‌دار نبوده و به دنبال کسب سود و پول هنگفت و اندوختن ثروت به نفع خود و ضرر دیگران هستند.

- توجه به امر نظارت

با همه تأکیدی که امام علی^(ع) بر عیب‌پوشی داشت، زمانی که پای منافع عمومی در میان می‌آید توصیه به تجسس، نظارت و کنترل شدید دارد. بر این اساس در خصوص قضات و کارگزاران حکومتی پس از تأکیدات لازم در خصوص تأمین نیازهای آنان، راجع به نظارت و کنترل به مالک، چنین می‌فرماید: «سپس اعمال آنان را مورد بررسی قرار ده و ماموران مخفی که اهل راستگویی و وفاداری هستند به سوی آنان بفرست؛ زیرا مقید بودن تو به بازرسی در امور سری ایشان، آنان را به رعایت امانت و نرمی با توده مردم وادار می‌سازد.»^۱ همچنین، آن حضرت در وصیت خویش به فرزندان در خصوص پیامدهای منفی بی‌توجهی به نظارت و کنترل انحرافات یادآور می‌شوند که هرگاه نظارت بر رفتارها را رها کنید، نتیجه آن تسلط انسان‌های هنجارشکن، کجرو و منحرف بر جامعه است. (محمدی ری‌شهری، ۱۳۷۶: ۲۶۴)

با توجه به اینکه بسیاری از مجرمان یقه سفید در مناصب دولتی دارای سمت و مسئولیت هستند؛ در سیاست جنایی امام علی^(ع) در درجه نخست، تدابیر اولیه ویژه‌ای مانند دقت در گزینش، تأمین مالی جهت رفع ریشه بزهکاری، مورد توصیه واقع شده و سپس موضوع نظارت و کنترل آنان مورد توجه قرار گرفته است. مراقبت و نظارت بر عملکرد کارمندان حکومت از روش‌های معمول و متعارف امام علی^(ع) در دوران حکومت خود بوده و دیگر کارگزاران و مسئولان ولایات را به کرات امر بدان کرده است. امام علی^(ع) در دوران حکومتش با استفاده

از ماموران مخفی گزارش‌کننده زشتی‌های رفتاری کارگزاران، به کنترل و مراقبت از عملکرد فرمانداران و کارمندان خود می‌پرداخت. نمونه‌های قابل توجهی از مقابله آن حضرت با متخلفان و موقعیت‌های منحرف‌ساز در نهج‌البلاغه ذکر شده که به نحو چشمگیری حکایت از تاکید آن امام بر نظارت‌های جدی و فراگیر دارد. (میرخلیلی، ۱۳۸۸: ۱۶۷)

امام علی^(ع) همواره بر نقش خطیر خواص و اطرافیان حاکم تاکید می‌ورزد؛ کسانی که با قدرت سیاسی، اقتصادی و حتی فرهنگی، امتیازاتی ویژه برای خود فراهم می‌کنند و از طبقات پایین بهره‌کشی و سوء استفاده می‌نمایند و از هرگونه اصلاح و پیشرفتی که مخالف منافع ایشان باشد جلوگیری می‌کنند. در واقع مجرمان یقه سفید، معمولاً از همین گروه خواص هستند و به همین منظور تحت نظر داشتن و نظارت رفتار آنان برای جلوگیری از سوء استفاده ضرورت دارد. امام علی^(ع) در راستای تحقق این موضوع به مالک اشتر می‌فرماید: «ای مالک! همانا زمامداران را خواص و نزدیکانی است که خودخواه و چپاولگرند و در معاملات انصاف ندارند. ریشه ستمکاریشان را با بریدن اسباب آن بخشکان و به هیچکدام از ایشان زمین واگذار مکن و بگونه‌ای با ایشان رفتار کن که قراردادی به سودشان منعقد نگردد که به مردم زیان رساند.» (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳)

بدین ترتیب امام علی^(ع)، برای جلوگیری از سوء استفاده خواص، مراقبت از آنان را توصیه می‌کند: «والی را نزدیکان است و خویشاوندان که خوی برتری جستن دارند و گردن‌فرازی کردن و در معاملات انصاف را کمتر به کار بستن. ریشه ستم اینان را با بریدن اسباب آن برآر، و به هیچ یک از اطرافیان و خویشاوندان زمینی را به بخشش وامگذار. مبادا در تو طمع کنند با بستن پیمانی که مجاور آنان را زیان رساند در بهره که از آب دارند، یا کاری که باید با هم به انجام رسانند و رنج آن را بر عهده دیگران نهند، پس بر آنان تنها گوارا افتد و عیب آن در دنیا و آخرت بر تو ماند.» (میرخلیلی، منبع پیشین)

از مهمترین وسایلی که در این زمینه به حاکم کمک می‌کند، جلوگیری از چپلوسی خواص است. حضرت علی^(ع) هنگامی که از صفین به کوفه باز می‌گشتند، سوار اسب بودند. در این حال یکی از مهتران و رجال سرشناس به نام حرب بن شریبیل در کنار ایشان پیاده به راه افتاد. حضرت بدو فرمود: «بازگرد که پیاده رفتن چو تویی با من موجب فریفته شدن والی و خواری مومن است.» (میرخلیلی، ۱۳۸۸: ۱۶۷)

والی آنگاه که فریفته شود، گمان می‌کند که آنچه انجام می‌دهد عین صواب است. در آن حال، معایب خود و حکومتش را محاسن می‌شمرد و ظلم می‌کند، در حالی که می‌پندارد به عدالت رفتار می‌کند؛ در نتیجه شرح صدر و انتقادپذیری وی کم شده، هر انتقادی را بر کینه و دشمنی انتقاد کننده حمل می‌کند. تمام اینها ناشی از چاپلوسی خواص است. اگرخواص آیینی واقع نمای اجتماع باشند و جامعه را آنگونه که هست به حاکم نمایش دهند، معایب بعدی پدیدار نمی‌شود. (حاجی ده‌آبادی، ۱۳۸۰: ۲۶۳)

- نظام گزارش‌دهی مردمی

یکی از مهمترین عوامل کشف جرم، اتکا و استناد به گزارش‌های مردمی است. در نظام حکومتی امام علی (ع) نیز با وجود همه تدابیر به کار گرفته شده در امر نظارت و جاسوسان کار کشته، در مورد جرائم یقه سفیدها، گزارش‌های مردمی یکی از مهمترین منابع نظارتی امام تلقی می‌شد. در حکومت امام، سه روش برای رسیدگی به شکایات مردمی از نهادهای حکومتی وجود داشت: ۱- گزارش مستقیم به امام از سوی افراد عادی و مورد اعتماد؛ ۲- قضای مظالم؛ که عمدتاً مربوط به مفساد و تخلفات اقتصادی کارگزاران بود و هدف از ایجاد آن، تحقیق و تفحص در مورد تظلمات و شکایات مردم از کارگزاران حکومتی، اعم از امیران سپاه و عاملان خراج، بیت‌المال و سایر امور اداری و قضایی بود؛ ۳- بیت القصاص: کسانی که به هر دلیل نمی‌خواستند به صورت شفاهی بر ضد کارگزاران، شکایت کنند، شکایت خود را می‌نوشتند و در آن مکان قرار می‌دادند و بدین طریق امام از آنها آگاهی می‌یافت. (سرکشیکیان، ۱۳۷۹: ۷۷)

از این رو، با توجه به آنکه برای صاحب منصبان نزدیک به حاکم یا خواص از یک سو زمینه سوء استفاده از قدرت سیاسی و اقتصادی و در نتیجه، زمینه ظلم و اجحاف ایشان در حق مردم فراهم است و از سوی دیگر، می‌توانند با چاپلوسی و بیان نکردن حقایق برای حاکم، او را از حال مردمان بی‌خبر نگه دارند و زمینه فساد حکومت را فراهم آورند؛ وجود نظام گزارش‌دهی مردمی تا حد زیادی می‌تواند موجب پیشگیری از جرائم یقه سفیدی شود. این موضوع از آنچه امام علی (ع) در صفات خواص می‌فرماید نیز قابل استنباط است؛ «و به هنگام فراخی زندگانی، سنگینی بار نزدیکان بر والی از همه افراد رعیت بیشتر است، و در روز گرفتاری یاری آنان از همه کمتر و انصاف را از همه ناخوش‌تر دارند، و چون درخواست کنند فرون‌تر از دیگران هستند و به هنگام عطا، سپاس از همه کمتر گزارند و چون به آنها ندهند، دیرتر از

همه عذر پذیرند و در سختی روزگار، شکیبایی را از همه کمتر پیشه گیرند، و همانا آنان که دین را پشتیبانند و موجب انبوهی مسلمانان و آماده پیکار با دشمنان، عامه مردمانند». (نهج-البلاغه، نامه ۵۲) آن امام، رضایت عامه مردم را بر رضایت خاصه مقدم دانسته، بر آن تاکید می-کنند: «و باید از کارها آن را بیشتر دوست بداری که نه از حق بگذرد و نه فروماند، و عدالت را فراگیرتر و رعیت را دلپذیرتر؛ که ناخشنودی همگان، خشنودی نزدیکان را بی‌اثر گرداند و خشم نزدیکان، خشنودی همگان را زیانی نرساند». (سرکشیکیان، منبع پیشین)

از این رو، بی‌اطلاعی حاکم از آنچه در جامعه می‌گذرد از جمله اموری است که زمینه‌ساز ستم بر رعیت می‌شود. حضرت بر ارتباط مستقیم حاکم با مردم و شنیدن سخنان ایشان و لزوم بیان حقایق از سوی مردم، تاکید می‌کند. فرازی از سخنان ایشان چنین است: «و پس از این همه، فراوان خود را از رعیت خویش پنهان مکن، که پنهان شدن والیان از رعیت نمونه‌ای است از تنگ‌خویی و کم‌اطلاعی در کارها؛ و پنهان شدن از رعیت، والیان را از دانستن آنچه بر آنان پوشیده است، باز می‌دارد. پس کار بزرگ نزد آنان خرد به شمار آید و کار خرد بزرگ نماید، زیبا زشت شود و زشت زیبا و باطل به لباس حق درآید. در مجلس عمومی بنشین و در آن مجلس برابر خدایی که تو را آفریده فروتن باش، و سپاهیان و یارانت را که نگهبانانند یا تو را پاسبانان، از آنان بازدار تا سخنگوی آن مردم با تو گفتگو کند، بی‌درماندگی در گفتار؛ که من از رسول خدا بارها شنیدم که می‌فرمود: هرگز امتی را پاک از گناه نخوانند که در آن امت بی‌آنکه بترسند و در گفتار درمانند، حق ناتوان را از توانا نستانند». (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳).

- توجه به معیشت کارگزاران حکومت

در بعضی از روایات، فقر، موجب نقصان در دین، کاهش عقل و تحریک خشم معرفی شده است؛ از این رو، در دین اسلام، به مقوله اقتصادی و معیشتی بشر در ابعاد گوناگون آن، توجه فراوانی شده است. بر این اساس، توجه به وضعیت معیشتی کارگزاران حکومت یکی از مواردی است که می‌تواند احتمال ارتکاب جرائم یقه‌سفیدی توسط این کارگزاران را کاهش دهد. این امر در اندیشه‌های امام علی (ع) قابل مشاهده است. ایشان، قبل از پرداختن به اصل نظارت، تأمین مالی و رفاهی کارمند و کارگزار را مورد توجه قرار می‌دهد. آن امام با توجه نمودن به ضرورت بی‌نیازسازی کارگزاران از حواجی معمول زندگی، احتمال دست‌درازی آنان را به بیت-المال تعدیل می‌نماید. ایشان در قسمتی از نامه ۵۳ (خطاب به مالک اشتر) در زمینه توجه به

وضع معیشتی کارکنان حکومت، می‌فرمایند: «در مورد وضع معیشتی آنان توسعه و گشایش بخش؛ زیرا این روش آنان را بر اصلاح خود نیرو می‌بخشد و ایجاد انگیزه بر پاکسازی خود می‌نماید و از تجاوز و دست درازی به بیت‌المال که در اختیار دارند بی‌نیاز می‌کند». (نهج البلاغه، نامه ۵۳)

فرازی از فرمایشات آن حضرت در مورد وضعیت معیشت قضات، می‌تواند اهمیت توجه به معیشت کارگزاران حکومت را از نظر ایشان بیشتر نشان دهد. امام علی^(ع) خطاب به مالک می‌فرماید: «با جدیت هر چه بیشتر قضاوت‌های قاضی خویش را بررسی کن و در بذل و بخشش به او سفره سخاوت را بگستر، آن چنان که نیازمندی‌اش از بین برود و حاجت و نیازی به مردم پیدا نکند» و به رفاعه، والی اهواز می‌فرماید: «از قبول هدایا و تحفه‌ها از طرفین دعوی بپرهیز». (همان: ۵۰) امام علی (ع) در خطبه‌ای دیگر می‌فرماید: «شما دانستید که سزاوار نیست حاکم و فرمانده، بر ناموس و خونهای مردم و غنائم بخیل باشد، تا برای جمع مال ایشان حرص بزند... و نه رشوه‌گیر در حکم، که مالی را گرفته، حق را باطل یا باطلی را حق گرداند، تا حقوق مردم از بین برود و حکم شرع را بیان ننماید». در جای دیگر می‌فرماید: «هر نظام نیاز به قاضی دارد و قاضی نیاز به معیشت و رزق دارد و این رزق را باید بیت‌المال تامین کند، نه مردم». (قوامی، ۱۳۸۶: ۶۲)

آن حضرت، در کلامی دیگر بدترین قاضی را مرتشی در حکم (اهل رشوه در قضاوت) می‌داند. (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۷) فقهای ما بحث دقیق و مبسوطی در ارتزاق قاضی دارند و نوعاً با آن موافقت، ولی در مورد دریافت حقوق در مقابل کار یا جعاله از طرفین دعوا، رای به عدم جواز می‌دهند. ماهیت ارتزاق همان طوری که از فرمایش حضرت علی^(ع) بر می‌آید، بر اساس نیاز و اداره زندگی است، تا قاضی محتاج رشوه و جعاله و حقوق نباشد و این رویه عقلایی است که امروزه در بسیاری از کشورهای دنیا پذیرفته شده است.

- ارشاد و تحذیر

در بسیاری از موارد معاشرت با ثروتمندان فاسد و یا رفاه طلبی، می‌تواند شخص را به زراندوزی و کسب ثروت از راه نامشروع و سوسه نموده و از شخص، مجرمی یقه‌سفید بسازد. توجه به این موضوع در سیره امام علی (ع) قابل مشاهده است به گونه‌ای که آن حضرت با ارشاد و تحذیر برخی از کارگزاران خود، آنان را از معاشرت با ثروتمندان و یا رفاه‌طلبی برحذر

داشته‌اند؛ به عنوان مثال، در نامه‌ای خطاب به عثمان بن حنیف، حاکم بصره، که به مهمانی یکی از ثروتمندان آن شهر رفته بود وی را مورد نکوهش قرار داد. (نهج‌البلاغه، نامه ۴۵) امام در جای دیگر، از خرید خانه هشتاد دیناری توسط قاضی شهر کوفه (شریح) انتقاد می‌کند و او را از اینکه خانه را از غیر مال حلال تهیه کرده باشد، برحذر می‌دارد. همچنین وقتی خانه مجلل و بزرگ یکی از کارگزاران حکومتی را مشاهده کرد، فرمود: سکه‌های طلا و نقره سر بر آوردند و خود را آشکار ساختند. همانا این ساختمان مجلل و با شکوه توانگری تو را می‌رساند. (طاهری، ۱۳۸۰: ۴۹)

• پیشگیری‌های کیفی

پیشگیری کیفی که ناظر به بعد از وقوع جرم بوده و به اثر بازدارندگی مجازات باز می‌گردد در برخی از اقدامات امام علی (ع) در مقابله با مجرمان یقه سفید قابل مشاهده است که برخی از آنها به شرح زیر است.

- مساوات در اجرای مجازات

نگاه به نهج‌البلاغه نشان دهنده آن است که حضرت، همواره بر موضوع برابری همگان در مقابل قانون تاکید داشته است؛ به عنوان مثال، در جایی خطاب به خلیفه دوم فرمود: «سه چیز است که اگر به آن عمل کنی، تو را کفایت می‌کند و اگر ترک کنی، هیچ چیز تو را کفایت نمی‌کند: اقامه حدود بر قریب و بعید، قضاوت بر اساس کتاب خدا در حال رضا و سخط، و تقسیم عادلانه بین قرمز و سیاه» سیره آن امام در دوره خلافتش بیانگر آن است که در نظام حکومتی و قضایی حضرت، تمام طبقات و افراد جامعه، فارغ از رنگ و نژاد و حرفه و قبیله، در مقابل قانون و محکمه مساوی بودند و در صورت وقوع جرم، مجازات به نحو مساوی در مورد همه آنها اجرا می‌شد؛ (مودن‌زادگان، ۱۳۷۹: ۳۲) به عنوان مثال، حضرت به یکی از کارگزاران حکومت که در اموال بیت‌المال خیانت کرده بود، نامه‌ای نوشت و ضمن آگاه‌سازی وی از برخورد قاطعانه‌ای که در انتظارش بود بیان داشت در این خصوص بین دیگران و فرزندانش تفاوتی قائل نیست. فرازی از فرمایش ایشان بدین شرح است: «پس، از خدا بیم دار و مال‌های این مردم را باز سپار، و اگر چنین نکنی و خدا مرا یاری دهد تا بر تو دست یابم کیفیت دهم که نزد خدا عذرخواه من گردد و به شمشیرت بزنم که کس را بدان نزد من جز آنکه به آتش در آمد. به خدا اگر حسن و حسین^(ع) چنان کردند که تو کردی، از من روی خوش نخواهند دید و به

آرزویی نخواهند رسید، تا آنکه حق را از آنان بستانم و باطلی را که به ستمشان پدید شده، نابود گردانم». (نهج البلاغه، نامه ۴۱) همچنین در جای دیگر، یکی از توصیه‌های امام به والیان مناطق مختلف، این است که به محض مشاهده تخلفات مالی نزدیکان و اطرافیان، بدون رعایت تشریفات خاص به جرائم آنان رسیدگی کنند. (سرکشیکیان، پیشین: ۷۷)

آن حضرت در مواردی که افراد سعی داشتند با استفاده از موقعیت قبیلگی و نژادی وسیله‌ای برای فرار از قانون بیابند، به شدت با آنان مقابله کرد. برای نمونه می‌توان به اجرای حد توسط آن حضرت بر نجاشی شاعر که شرب خمر کرده بود اشاره نمود که جایگاه او تاثیری بر مجازاتش نداشت. این در حالی است که مجرمین یقه سفید غالباً از جایگاه ویژه‌ای برخوردار هستند و می‌توانند در دستگاه قضایی از نفوذ نموده تا مجازات نگردند و یا مجازاتی کمتر از آنچه که باید، برای آنها لحاظ گردد.

توضیح آنکه، قیس بن عمرو، معروف به نجاشی، از اصحاب امام علی(ع) و از شاعران آن عصر بود. اشعار و قصاید او در تحریک روحیه سپاه امام در نبرد صفین همچنان بر صفحات تاریخ می‌درخشد. نجاشی در یکی از روزهای ماه مبارک رمضان، شراب نوشید. ماموران حکومت علوی نجاشی را دستگیر کردند. علی(ع) در اجرای حکم الهی، هشتاد تازیانه به جهت شرب خمر و بیست تازیانه به جهت شکستن حرمت ماه رمضان بر نجاشی زد که البته بعداً موجب اعتراض شدید خاندان وی شد. (حسینی، ۱۳۸۰: ۸۹)

- شدت در اجرای مجازات

به عقیده برخی از مکاتب حقوق کیفری، مجازات‌ها باید شدید باشند تا جنبه بازدارندگی داشته باشند. بازدارندگی از منظر جرم‌شناسان عبارتست از هراس برآمده از مجازات که سبب می‌گردد، مجرم بالفعلی که تحت مجازات واقع می‌شود و مجرمان بالقوه‌ای که شاهد اجرای آن نسبت به مرتکب هستند، از جرم دوری کنند؛ چرا که با سنجش بخردانه موقعیت، نتایج نا-خوشایند حاصل از جرم را نسبت به ثمرات مطلوب آن بیشتر می‌بینند. (دادبان، ۱۳۸۸: ۱۳۳)

نوع نگاه به مجرمان و به تبع آن اهداف مجازات، در طول تاریخ دستخوش تحولاتی چند شده است؛ به نحوی که به تناسب ترسیم تصویری خاص از شخص مرتکب جرم، شاهد رقم خوردن غایاتی چند برای مجازات‌ها بوده و هستیم؛ اهدافی که در طیف گسترده سزادهی و انتقام جویی، ارباب و بازدارندگی، اصلاح و بازپروری، ناتوان‌سازی و حذف مجرمان قرار دارند. همانطور که مشاهده می‌شود بازدارندگی همواره یکی از اهداف مجازات‌ها بوده است؛ هدف

تقلیل گرایانه‌ای که از دیرباز و در قالب یک نظریه توانمند و در بطن مدل تنبیهی و در چهارچوب کارکرد فایده‌مند کیفر تکوین‌یافته و با نگرستن به افق‌های پیش‌رو، اعمال مجازات را نه با هدف جبران گذشته‌ای تاریک و انتقام از مجرم-آنچنانکه در رویکرد سزادهی^۱ مطرح است- بلکه با هدف ساختن آینده‌ای روشن لازم می‌انگارد؛ بدین‌سان سیاست اصلی دیدگاه بازدارندگی، تهدید به مجازات کیفری یا اجرای آن برای کاهش انگیزه‌ی جرم است؛ یعنی استفاده از مجازات به عنوان بازدارنده‌ای که مانع تکرار جرم از سوی مجرم شده و نیز به شکل کلی انگیزه دیگران را برای ارتکاب همان جرم کاهش دهد. (همان، ۱۳۳)

شدت مجازات‌ها از منظر جرم‌شناسان: بسیاری از حقوقدانان و جرم‌شناسان معتقدند شدت مجازات‌ها می‌تواند با ایجاد رعب و وحشت در دل مجرمان بالقوه، آنان را از ارتکاب جرم باز دارد. اندیشه‌های حامی شدت مجازات می‌گویند بین شدت مجازات و میزان جرم رابطه منفی برقرار است؛ یعنی هرچه بر شدت کیفر می‌افزاییم، میزان جرم را کاهش داده‌ایم و هر چه از شدت آن بکاهیم، میزان جرائم را افزایش می‌دهیم. این اندیشه خواستار به کارگیری هر چه بیشتر از مجازات‌های جسمانی است. (میرزایی مقدم، ۱۳۸۹: ۱۷۶)

جرمی بنتام، طرفدار مکتب اصالت فایده که سردمدار این عقیده می‌باشد معتقد است: اجرای مجازات تنها برای جرمی که واقع شده است نیست، بلکه هدف این است از این پس، جرم دیگری ارتکاب نیابد. وی بر این باور است که بزهدار با احتساب فایده عمل خود و سود حاصل از آن و فارغ از کیفری که در انتظار اوست، خویشتن را به تبهکاری می‌آلاید؛ بنابراین اگر کیفرها به شیوه‌ای وضع شوند که هرکس سود خود را در احتراز و امتناع از آلودگی به بزهداری بیابد و سرانجام ناگوار کردار خود را پیش‌بینی نماید از وقوع و تکرار جرائم پیشگیری خواهد شد. (اردبیلی، ۱۳۸۶: ۸۳)

بنتام در حالی که سخت به اجرای کیفر پایبند است به این نکته نیز توجه دارد که «هیچ کیفری هیچگاه نباید نسنجیده و نااندیشیده اجرا شود و برای آنکه همگان از آن پند گیرند باید شدت، مدت، حتمیت و سایر جهات کیفیات متناسب آن که سودمندی و ضرورت آن را تضمین می‌نماید مراعات شود.» این اندیشمند در مورد مبانی مجازات می‌نویسد: «پیشگیری همگانی با اعلان و اجرای کیفر که به عبارت صحیح و متداول، مایه عبرت است، حاصل می‌شود. رنج کیفری که بزهدار تحمل می‌کند به هرکس این پند را می‌دهد که چنانچه به ارتکاب

^۱ - Retribution

همین بزه، گنهکار شناخته شود همین رنج در انتظار اوست. پیشگیری همگانی هدف اصلی اجرای کیفر و دلیل توجیه آن به شمار می‌رود. اگر جرم گذشته تنها به نشانه یک عمل منحصر به فرد که دیگر تکرار نمی‌شد منظور بود، کیفر دادن بیهوده می‌بود و موجب می‌شد یک بدی به بدی دیگر افزوده شود ولی وقتی تصور شود جرمی که به کیفر نرسیده، نه تنها به بزهدار بلکه به تمام کسانی که دارای همان انگیزه و همان فرصت برای ارتکاب جرم هستند آزادی عمل بیشتری می‌دهد، احساس می‌شود که کیفر دادن یک فرد، ضمانت همگانی را پدید می‌آورد» (اردبیلی، ۱۳۸۶: ۸۴)

شدت مجازات‌ها از منظر امام علی (ع): نگاه جرم‌شناسانه دین اسلام در برخی موارد در لوای سخت‌گیری نسبت به جرائم ظاهر شده است. این موضوع خود به نوعی نشان‌دهنده توجه این دین به مبحث پیشگیری از جرم در جامعه است که این شدت در قالب اصل بازدارندگی عمل می‌کند؛ از این رو، این اندیشه که شدت مجازات‌ها می‌تواند در پیشگیری از جرم موثر باشد در مکتب اسلام نیز تا حد زیادی پذیرفته شده است؛ بدین صورت که در صورت ارتکاب فساد، دولت اسلامی حق دارد با مرتکبان آن با شدت برخورد نماید و مجرمان را به سزای عملشان برساند تا مایه عبرت دیگران شود. عبرت‌آموزی از مجرمان و آنچه بر آنان اجرا شده است در تعالیم اسلامی، نقش مهمی در عدم ارتکاب جرم از سوی افراد دارد و خود از مباحث عمده در پیشگیری از جرم است. قرآن کریم نیز در این مورد فرمان داده است: «پس، عبرت بگیرید ای صاحبان بصیرت». (سوره حشر، ۲)

در سیره حضرت علی (ع) نیز موارد متعددی از برخورد شدید و قاطعانه با متخلفان و منحرفان، مشاهده می‌شود. نگاه به قضاوت‌های آن امام نشان می‌دهد که ایشان به مجازات‌های جسمانی شدید به عنوان یکی از عوامل بازدارنده از ارتکاب جرم توجه داشته است؛ زیرا در مجازات‌هایی که ایشان حکم به آن داده است، مجازات‌هایی چون اعدام، سنگسار، قطع دست و شلاق که امروزه به عنوان مجازات‌های جسمانی شدید محسوب می‌شوند قابل مشاهده است که البته نوع مجازات جسمانی تعیین شده با توجه به نوع و قبح جرم ارتكابی، متفاوت بوده است.^۱ به عنوان مثال، حضرت در مقابل اشخاص جاسوسی که بر ضد مسلمانان و به نفع دشمن فعالیت

۱ - برای مطالعه بیشتر: ر.ک: قضاوت‌های حضرت علی (ع)، تالیف: آیت‌اله محمد تقی شوشتری، تهران، پیام حق، ۱۳۷۰.

می‌کردند با شدت برخورد می‌نمودند و حتی در موردی دستور دادند که دست یکی از جاسوسان بریده شود که آن شخص به واسطه همین قطع شدن دست کشته شد. (حسینی، ۱۳۸۰: ۸۸)

امام علی (ع) در نامه مالک اشتر به او فرمان می‌دهد با کارگزاران خائن برخورد جدی صورت گیرد و صرفاً به عزل آنان اکتفاء نشود. فرازی از فرمایش ایشان چنین است: «از همکاران نزدیکت سخت مراقبت کن و اگر یکی از آنان دست به خیانت زد و گزارش جاسوسان تو هم آن خیانت را تأیید کردند، به همین مقدار گواهی قناعت کرده، او را با تازیانه کیفر کن، و آنچه را که از اموال در اختیار دارد از او باز پس گیر، سپس او را خوار دار و خیانت کار بشمار و طوق بدنامی به گردنش بیفکن». (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳)

امام علی (ع) در جای دیگر، در نامه‌ای به «زیاد بن ابیه» که فرماندار بصره بود، چنین نوشت: «و همانا به خدا سوگند می‌خورم، سوگندی راست که اگر مرا خبر رسد که در اموال مسلمانان - اندک یا بسیار - خیانت کرده‌ای، چنان بر تو سخت گیرم که اندک مال، مانی و درمانده به هزینه عیال و خوار و پریشان حال». (حسینی، پیشین: ۸۸)

- قاطعیت در اجرای مجازات

عدالت به عنوان یکی از آرمان‌های جوامع بشری در اندیشه‌های امام علی (ع) به وضوح قابل مشاهده است. ایشان عدالت را اینگونه معنا کرده است: «عدالت هر چیزی را در جای خود می‌نهد، در حالی که بخشش آن را از جای خود خارج می‌سازد.» نگاهی به تاریخ زندگی بشر بیانگر آن است که اجرای قاطعانه مجازات به عنوان یکی از مهمترین جلوه‌های اجرای عدالت، موجب کاهش جرم شده است. امام علی (ع) به سامان رسیدن کار حکومت و بقای آن را در گروهی اجرای عدالت دانسته و می‌فرماید: «هیچ دژی به اندازه اجرای عدالت از حاکمیت پاسداری نمی‌کند و از سقوط و تهاجم محفوظ نمی‌دارد» (نهج‌البلاغه، حکمت ۴۳۷) بر اساس این تفکر، امام در اجرای عدالت از طریق اجرای مجازات قاطعانه عمل می‌نمود که در ادامه به چند مورد از آنها اشاره می‌شود.

«مُنذِر بن جارود عبدي» از سوی امام بر حکومتِ اِصطخَرِ منصوب شد. منذر در بیت المال، خیانت کرد و چهارصد هزار درهم از آن را ویژه خود ساخت که امام نامه‌ای به او نوشت و او را نکوهید و به سوی خود خواند. او، پس از دریافت نامه به کوفه آمد. امام او را عزل و به پرداخت سی هزار درهم، محکوم و زندانی کرد. (احمدبن ابی‌یعقوب، ۱۳۷۱: ۱۰۶)

همچنین، «اشعث بن قیس کندی» که از زمان عثمان به حکومت آذربایجان رسیده بود و دچار فساد مالی شده بود از سوی امام علی (ع) عزل شد. امام در نامه‌ای خطاب به وی بیان می‌دارند: «ای اشعث چنین مپندار که سرزمینی که بر آن حکومت می‌کنی طعمه توست، نه، بلکه آن امانتی است برگردن تو، مال از آن خداست، تو امانتدار کسی هستی که تو را به کار گمارده است و این اختیار را نداری که بدون اجازه من به کار مردم بپردازی و بدون احتیاط و اطمینان به کارهای بزرگ مالی درآی. آنچه بر عهده توست ادا نما، وگرنه گردن تو را با شمشیر خواهم زد.» اشعث در پاسخ بیان داشت: «این ثروت را در دوران حکومت شما به دست نیاورده‌ام.» اما امام فرمود: «به خدا سوگند، اگر آن را در بیت‌المال مسلمانان حاضر نسازی، این شمشیر را چنان بر تو فرود آورم که هر چه خواست، از تو باز ستاند.» (طبری، ۱۳۶۲: ۳۵۹۱)

در جای دیگر، ایشان در فرازی از نامه ۵۳ نهج‌البلاغه خطاب به مالک اشتر فرموده است: «اگر یکی از کارگزاران حکومتی دست خیانت دراز کرد و خبرهای شاهدان مورد اعتماد تو آن را تایید کردند به این اکتفاء کن و پس از آنکه او را مجازات بدنی کردی و آنچه از عملش به دست آورده از او گرفتی او را به موقعیت خواری و ذلت بنشان و نشان خیانت به او بده و قلاده ننگ اتهام به گردنش بیاویز.» (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳)

برخورد قاطعانه امام علی (ع) با آن دسته از مجرمان یقه سفید عصر خود که نسبت به بیت‌المال خیانت کرده بودند فراوان است که در بیشتر موارد با استرداد بیت‌المال (در راستای اجرای مجازات) همراه بود که بی‌شک نسبت به مرتکبان (جرائم یقه سفیدی) و سایر افراد جنبه پیشگیرانه داشته است. از جمله اقدامات آن امام در این راستا، برگرداندن بخشی از بیت‌المال بوده است که پیش از ایشان به غارت رفته بود. ایشان درباره بیت‌المال تاراج شده می‌فرماید: «به خدا سوگند! بیت‌المال تاراج شده را هر کجا که بیابم به صاحبان اصلی آن باز می‌گردانم، گرچه با آن ازدواج کرده یا کنیزانی خریده باشند؛ زیرا در عدالت گشایش برای عموم است، و آنکس که عدالت بر او گران آید، تحمل ستم برایش سخت‌تر است.» (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۵) ابن ابی‌الحدید، در شرح این خطبه می‌نویسد: عمر و عثمان، خلیفه دوم و سوم، قطایع^۱ فراوانی را از زمین‌های بیت‌المال، به اقوام و خویشان بخشیده بودند. علی این خطبه را (بر

۱ - «قطیعه» زمین‌هایی است که حاکم از بیت‌المال به برخی از افراد می‌بخشد و او را از خراج دادن معاف می‌دارد و در برابر، مقدار کمی مالیات، تحت عنوان «ضریب»، می‌پردازد.

اساس گزارش کلبی، از ابی‌صالح، از ابن عباس، در روز دوم خلافتش، ایراد کرد و در آغاز خطبه، گفت: «ألا! إنَّ كُلَّ قِطِيعَةٍ أَقْطَعَهَا عِثْمَانُ وَ كُلُّ مَالٍ أَعْطَاهُ مِنَ مَالِ اللَّهِ، فَهُوَ مُرْدُودٌ فِي بَيْتِ الْمَالِ، فَإِنَّ الْحَقَّ الْقَدِيمَ لَا يَبْطُلُهُ شَيْءٌ.» ابن ابی‌الحدید، سپس می‌نویسد: «وقتی این خبر به گوش عمروعاص در شهر ایله، در منطقه فلسطین رسید، نامه‌ای برای معاویه فرستاد و در آن نوشت: هر کاری که ممکن است انجام بده که پسر ابیطالب، همه اموالی را که تو جمع آوری کرده‌ای، خواهد گرفت.» (فلاح سلوکلابی، ۱۳۸۴: ۲۶)

- اجرای علنی مجازات

بی‌شک اجرای علنی مجازات مجرمان یقه سفید و مفسدان اقتصادی و اعلان آن به عموم مردم، می‌تواند بر جنبه بازدارندگی مجازات بیافزاید و پیشگیری کیفری را به نحو موثرتری تحقق بخشد.

یکی از نمونه‌های تاریخی در زمینه برخورد امام علی^(ع) با مجرمان یقه‌سفید و مفسدان اقتصادی که علاوه بر جنبه‌های قاطعیت و شدت دارای جنبه علنی نیز می‌باشد حکمی است که امام علی (ع)، خطاب به «رفاعه»، والی اهواز در مورد «ابن هرمه» که در امور اقتصادی مسلمین، اخلال کرده بود می‌نویسد. در این نامه چنین آمده است: «ای رفاعه بنا بر مستندات و شواهد بر من یقینی شده است که ابن هرمه در امور اقتصادی بازار مسلمین در اهواز خیانت نموده است. زمانی که این نوشته به دست تو رسید او را از امور اقتصادی بازار برکنار نموده دستگیر نما و به زندان بیفکن و سپس این امر را به مردم اعلام کن در این کار هرگونه تسامح و کوتاهی و ملاحظه‌گری را کنار بگذار و به مامورانت بگو رای مرا این چنین بر مردم اعلام نمایند: ابن هرمه که مسئول بازار اهواز بوده به دلیل اخلال در نظام اقتصادی بازار مسلمین از طرف امیر المومنین علی محکوم گردیده است به:

۱. ۳۵ ضربه شلاق در روز جمعه در ملا عام؛ ۲. گرداندن در بازار و معرفی به نام مفسد اقتصادی؛ ۳. مصادره اموال و بر گرداندن آنها به صاحبان اصلی؛ ۴. ابن هرمه در زندان می‌ماند و امر بر او مشکل گرفته می‌شود؛ ۵. پای او را در زندان ببند تا نتواند راه برود و فقط در لحظات نماز او را باز نما؛ ۶. نگذار کسی با او ملاقات کند و برای او غذا و لباس و نوشیدنی و فرش برای او ببرد؛ ۷. هر کس به ابن هرمه راه فراری یاد داد او را نیز در بند کن تا توبه کند؛ ۸. ابن هرمه حق داشتن وکیل ندارد؛ ۹. ابن هرمه تا جایی که با خطر مرگ مواجه نشود حق هوا خوری در حیاط زندان را ندارد؛ ۱۰. بعد از گذشت یک ماه اگر دیدی طاقت دارد ۳۵ ضربه شلاق دیگر

به او بزن. در پایان نتیجه کارت را برای من بنویس و چگونگی اجرای حکم و همچنین نحوه اداره بازار مسلمین اهواز را در آن شرح ده». (طبرسی، ۱۴۰۹: ۴۰۳)

همان طور که مشاهده می‌شود، امام علی (ع)، بر کارگزار متخلف خود علاوه بر آنکه محدودیت‌هایی جدی حتی در زندان اعمال می‌کند، به افشا سازی جرم ارتكابی و مجازات آن نیز تاکید دارد؛ زیرا وقتی صاحب منصبان حکومت به حقوق مردم تعدی می‌کنند، تنها یک مجرم معمولی نیستند بلکه علیه کلیت جامعه مرتکب جنایت شده‌اند و وسعت جرم ارتكابی آنان نیز زیاد است؛ از این رو، باید به گونه‌ای مجازات شوند که دیگر صاحب منصبان حکومت، با دیدن آن، جرات خیانت و اختلاس و سوء استفاده نداشته باشند. از این رو، امام علی (ع) نه تنها هرگز در صدد لاپوشانی و کتمان جرم‌ها و تخلفات مسئولان نظام نبودند و هیچگاه بر این باور نشدند که اگر جرم مسئولی عیان و اثبات شود و مجازات گردد، مردم بدبین می‌شوند و آب به آسیاب دشمن می‌ریزد؛ بلکه برعکس دوام و قوام حکومت و جامعه را در اجرای شدید و علنی عدالت و مجازات مسوولان گناهکار می‌دانستند.

- مجرمین یقه سفید از منظر سایر ائمه

مجرمین یقه سفید همواره از تدلیس و فریبکاری در به سرانجام رساندن اعمال مجرمانه خود استفاده می‌نمایند. تدلیس و فریبکاری به اتفاق فقهای امامیه از مکاسب محرمه است و عقل نیز به قبح آن حکم میکند. (نجفی، ۱۹۸۱: ۱۱۱) ائمه کبیر اعمال یاد شده را عذاب اخروی ذکر کرده‌اند. (کلینی، ۳۳۶) امام باقر (ع) نیز می‌فرماید: «آنکه با مسلمانان در خرید و فروش، نیرنگ به کار برد، از آنها نیست و در قیامت با یهود محشور می‌شود؛ زیرا یهود بیش از همه با مسلمانان نیرنگ به کار می‌برند... بدانید! هر آنکه مسلمانی را بفریبد، خداوند برکت را از رزقش برمی‌دارد و راه معیشت او را می‌بندد و او را به خودش واگذار می‌کند. (انصاری، ۱۴۱۱: ۱۴۱)

احادیث و روایات در مورد پیشگیری از جرم و گناه مخصوصاً در فقه فراوان به چشم می‌خورد. از میان این احادیث و روایات مهمترین روش پیشگیری در اندیشه صادقین علیهما السلام پیشگیری غیر کیفری است. در نهایت اتخاذ یک سیاست کیفری منسجم، منطقی و سنجیده، بر اساس واقعیت‌های انسان شناختی و جامعه شناختی نیز یکی از راه‌های کنترل بزهکاری در اندیشه صادقین است. (جلالی، ۱۳۹۰: ۴)

نتیجه‌گیری

آموزه‌های دینی به شکلی است که، می‌توان تاثیر آنها را بر قوانین کیفری کنونی ایران به وضوح مشاهده نمود و بر این موضوع تصدیق نمود که نظام کیفری ایران به عنوان یک نظام حقوقی اسلامی از آموزه‌ها و منابع دینی تاثیر پذیرفته است. بویژه در خصوص مسایل پیشگیری از جرم، مخصوصاً پیشگیری از جرائم با اهمیت مانند جرائمی که یقه سفیدها. نگاه به آموزه‌های دینی، بیانگر آن است که علاوه بر پیشگیری‌های غیرکیفری، پیشگیری-های کیفری نیز توجه شده است؛ به گونه‌ای که با رجوع به قرآن و نهج‌البلاغه می‌توان موارد فراوانی از اندیشه‌های پیشگیرانه را در این زمینه مشاهده نمود. این آموزه‌ها در راستای پیشگیری از جرم در برخورد با بزهکاری عامه مردم در برخی موارد رویکردهای تنبیهی و کیفردهی و در برخی موارد دیگر، رویکردهای اصلاحی داشته است. آموزه‌های دینی در راستای پیشگیری از جرائم یقه سفید ساز کارهایی داشته و از هر دو روش پیشگیری غیرکیفری و کیفری، استفاده کرده است؛ به گونه‌ای که در جهت تحقق پیشگیری غیرکیفری، طیف وسیعی از اقدامات، مانند تصفیه حکومت از عناصر فاسد؛ دقت در گزینش و انتصاب کارگزاران حکومت؛ توجه به امر نظارت؛ نظام گزارش‌دهی مردمی؛ توجه به معیشت کارگزاران حکومت و ارشاد و تحذیر را به کار گرفته و در راستای پیشگیری کیفری، مساوات، قاطعیت و شدت مجازات را مورد توجه قرار داده است. در مجموع نگاه به آموزه‌های دینی، نشان می‌دهد سیاست‌های پیشگیرانه از جرائم یقه سفید می‌تواند الگوی جامع و تمام‌عیاری برای نظام‌های حقوقی کنونی در زمینه پیشگیری از اینگونه جرائم باشد. این موضوع باید مورد توجه سیاست‌گذاران و مجریان پیشگیری از جرم در ایران قرار گیرد که هنوز نتوانسته‌اند با بهره‌گیری کافی از آموزه‌های دینی، به پیشگیری از جرم در کشورمان به درستی جامعه عمل بپوشانند و از شکل‌گیری روزافزون این جرائم جلوگیری نمایند؛ حال آنکه با توجه به افزایش میزان مفاسد اقتصادی در دهه اخیر در کشورمان (که بیشتر آنها با جرائم یقه‌سفیدی منطبق هستند) ضروری است در جهت تحقق پیشگیری کیفری، مقامات عالی قضایی و قضات محاکم با بهره‌گیری از آموزه‌های قرآن، پیامبر اسلام (ص) و ائمه برخورد شدید و قاطع نسبت به این موضوع داشته باشند. شاید بتوان علت این نارسایی را عدم شناخت کافی سیاست‌گذاران و مجریان در خصوص آموزه‌های دین دانست که این موضوع از این حیث محل انتقاد به نظر می‌رسد.

منابع فارسی:

کتاب

- قرآن کریم

- نهج البلاغه، مترجم: سید جعفر شهیدی (۱۳۷۹)، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی
- اردبیلی، محمدعلی (۱۳۸۶)، **حقوق جزای عمومی** (ج ۱)، تهران، نشر میزان
- اعتصامی، منصور (۱۳۸۱)، **مفهوم تجارت**، مجموعه مقالات فارسی دومین مجمع بررسی - های اقتصادی اسلامی. زیر نظر محمد واعظزاده خراسانی. چاپ اول، مشهد، بنیاد پژوهش - های اسلامی

- حاجی ده‌آبادی، محمدعلی (۱۳۸۰)، **پیش‌گیری از جرم**، در دانشنامه امام علی علیه‌السلام، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

- فیض، علیرضا (۱۳۷۰)، **مقارنه و تطبیق در حقوق جزای عمومی اسلام** (ج ۱)، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

- میرخلیلی، سیدمحمود (۱۳۸۸)، **پیشگیری وضعی از بزهکاری با نگاه به سیاست جنایی اسلام**، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

- ناصر مکارم شیرازی و همکاران (۱۳۹۰)، **پیام امام امیرالمومنین** (ج ۲)، قم، انتشارات امام علی بن ابیطالب

- نوعی، غلامرضا (۱۳۷۹)، **مدارا با مخالفان در قرآن و سیره نبوی**، قم

مقالات

- ابوالقاسم طاهری، محمود حیدری‌هایی (۱۳۸۰)، **آسیب‌شناسی زمامداران از منظر امام علی (ع)**، فصلنامه حوزه و دانشگاه، شماره ۴

- اسماعیلی، اسماعیل (۱۳۷۳)، **اکل مال به باطل در بینش فقهی شیخ انصاری (ره)**، کاوشی نو در فقه اسلامی (مجله فقه)، شماره اول، سال اول، پاییز

- حسینی، غلامحسین (۱۳۸۰)، **قاطعیت و مدارا از دیدگاه امام علی (ع)**، فصلنامه حوزه و دانشگاه، شماره ۲۶

- حسن دادبان، سارا آقایی (۱۳۸۸)، **بازدارندگی و نقش آن در پیشگیری از جرم**، فصلنامه حقوق، شماره ۳، پاییز

- سرکشیکیان، محمدحسین (۱۳۸۸)، ساز و کارهای مبارزه با مفاصد اقتصادی در نظام حکومتی امام علی (ع)، فصلنامه کارآگاه، شماره ۷، تابستان
- صفاری، علی (۱۳۸۰)، مبانی نظری پیش‌گیری از وقوع جرم، تحقیقات حقوقی، شماره ۳۳-۳۴، زمستان
- طارمی، علی (۱۳۸۸)، عدالت قضایی و جرائم پیرامونی، مجله پگاه حوزه، شماره ۲۶۳
- فلاح سلوکلاهی، محمد (۱۳۸۴)، سیمای کارگزاران دولت اسلامی از منظر امام علی (ع)، فصلنامه معرفت، شماره ۹۳
- قوامی، سید صمصام‌الدین (۱۳۸۶)، نظام قضایی امیر مؤمنان (ع)، فصلنامه حکومت اسلامی، شماره ۱۸
- میرزایی مقدم، مرتضی (۱۳۸۹)، ارزیابی تاثیر شدت و قطعیت کیفرها در پیش‌گیری از جرم، فصلنامه مطالعات پیش‌گیری از جرم، شماره ۱۶، پاییز

پایان نامه

- جلالی، محمد تقی (۱۳۹۰)، پیش‌گیری از جرم در اندیشه صادقین علیهما السلام، دانشکده حقوق و معارف اسلامی، دانشگاه جامعه المصطفی العالمیه

منابع عربی

- ابن بابویه، ابی جعفر محمد (شیخ صدوق)؛ (۱۴۰۱ق)، من لا یحضره الفقیه؛ بیروت: دار-الصعب و دارالتعارف
- احمد بن ابی‌یعقوب (۱۳۷۱)، تاریخ یعقوبی، ترجمه: محمد ابراهیم آیتی، تهران: شرکت انتشارات علمی فرهنگی
- انصاری، شیخ مرتضی بن محمد (۱۴۱۱ق)، المکاسب، ج ۱، قم، دارالذخائر
- راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد (۱۴۰۳ق)، المفردات فی غری القرآن، قم، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۰۹)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، الطبعة الاولى، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات
- طبری، محمد بن جریر (۱۳۶۲)، تاریخ طبری (ج ۶)، ترجمه: ابوالقاسم پاینده، تهران، اساطیر

- فیض کاشانی، مولی محسن (۱۴۱۶ق)، تفسیرالصافی (ج ۱)، التحقیق؛ الشیخ حسین الاعلمی، الطبعة الثانية، تهران، مکتبه الصدور
- کاظمی، محمدجواد (۱۳۶۷)، مس الک الافهام إلى آیات الاحکام، قم، انتشارات مرتضویه
- کلینی، محمدبن یعقوب (۱۴۱۱)، اصول کافی (ج ۲)، مترجم: جواد مصطفوی، قم، دفتر بیتا، نشر اهل بیت
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، بحار الأنوار، چاپ سوم، بیروت، مؤسسه الوفاء
- محمدی ری شهری، محمد (۱۳۷۶)، التنمية الإقتصادية فی کتاب و السنّة. چاپ اول، قم، دارالحدیث
- موسوی اصفهانی، ابوالحسن (۱۳۹۷ق)، وسیلة النجاة، تعلیقات، سید محمد رضا موسوی گلپایگانی، قم، دارالتعارف
- نجفی، محمدحسن (صاحب جواهر) (۱۹۸۱م)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، ج ۲۲، چاپ ۷، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی

